

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات

* فاطمه قربانی

چکیده

نفس جوهری ملکوتی است که برای کارهای خود، بدن را به خدمت میگیرد و حقیقت و ذات انسان به اوست و بدن با همه اعضای خود وسیله ای برای اوست. بهرحال نفس همان چیزی است که از به «من» یا «جان» تعبیر می شود و تعریف و شناخت دقیق آن متعسر است. متأسفانه امروزه بعضی افراد جامعه آگاهی کمی نسبت به نفس خود دارند و خود را شایسته و لایق احترام نمی بینند و از ابعاد نفس هم اطلاع کافی ندارند. بنابراین لازم است ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات بیان گردد. اهمیت پرداختن به ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات از آن جهت است که باعث می شود انسان از ابعاد نفس شناخت بیشتری پیدا کند و به هدف تکاملی خود برسد و هر انسانی برای رسیدن به کمال برتر، به این ابعاد و امیال و گرایش ها نیازمند است. لذا این نوشتار با روش توصیفی-تحلیلی به ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات پرداخته است که حاصل آن چنین شد: علم و آگاهی، قدرت و توانایی، محبت، حب بقاء، کمال جویی، لذت جویی، ... از مهمترین ابعاد نفس هستند که می توان به آن اشاره کرد.

کلیدواژه ها: نفس، ابعاد نفس، آیات و روایات

مقدمه

نفس جوهری روحانی است که به ذات خود زنده است و چون قرین و همنشین جسمی از اجسام گشت، آن را مانند خود می نماید؛ مانند صورت آتش که جوهری سوزان است که اگر آن را در کنار جسمی از اجسام قرار دهی، آن جسم را هم مانند خود داغ می نماید. در قرآن کریم، واژه «نفس» و مشتقات آن با معانی مختلف با بسامد تکرار فراوان آمده است که در همه آنها به معنای ذات و حقیقت شیء است. نفس جوهری است که در ذات و حقیقت خویش متحرک بوده و از احساس تا مرتبه ی تعقل، تطوّر و گستردگی دارد و لذا می تواند با هر مرتبه ای از مراتب متحد گردد. نفس با حرکت ذاتی و جوهری خویش همواره به جانب کمال رهسپار است، خواه این کمال در جهت فضیلت باشد و خواه در جهت ردیلت و استکمال نفس هم یا در طریق و سبیل سعادت است و یا در طریق شقاوت و به عبارت دیگر نفس، یا حیوان کامل گشته و یا انسان کامل شده است. اگر به این مسئله پرداخته شود باعث می شود انسان از ابعاد نفس شناخت بیشتری پیدا کند و به هدف تکاملی خود برسد. و درخواهد یافت که هدف از زندگی او بر روی زمین این است که برای نیل به تعالی انسانی خویش، همه تمایلاتش را مدیریت کند.

ضرورت بررسی ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات از آنجاست که اگر از آن غفلت شود عواقب و پیامدهایی دارد از جمله باعث می شود انسان اسیر هواهای نفس خود قرار بگیرد و گمراه شود بخاطر همین بزرگترین دشمن سعادت انسان نفس معرفی شده است. پس باید به خوبی از آن آگاهی پیدا کرد.

در آیات و روایات زیادی و همچنین کتب متعددی به این مسئله پرداخته شده است. در این مقاله بعد از مفهوم شناسی نفس و و پرداختن به واژه نفس در قرآن، حقیقت نفس را بیان کرده، و بعد به انواع نفس اشاره می کند و در آخر به ابعاد بنیادین نفس پرداخته است.

و اما کتابهایی که در این زمینه نوشته شده از جمله: آقای مهدی زاده در کتاب داستان های مبارزه با نفس می نویسد: نفس در دو معنی کلی در نظر گرفته می شود: نخست، نفس و روح انسان که بسیار باارزش است و پاک کردن و معرفت آن، باارزش ترین معرفت ها و عبادت هاست و دوم، به معنی نفس اماره یا گراینده به شهوت ها و غضب هاست که به شدت نکوهش شده است؛ چراکه ریشه همه لغزش ها و بدبختی های آدمی، نفس اماره است و هدف از مبارزه با نفس، مبارزه با همین اماره به بدی ها و کشش های سوء نفسانی است. نکته قابل توجه اینکه نفس، منحصر در شهوت ها و غضب ها نیست و مبارزه با نفس با بسیاری از صفات مثل مبارزه با کینه، حسد و ریاست طلبی صورت می گیرد.^۱

۱. مهدی زاده، داستان های مبارزه با نفس، صص ۶-۵

آقای مکارم شیرازی در کتاب پیام قرآن؛ روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن نوشته است: «روح» و «ریح» (به معنای باد) هر دو از یک معنا مشتق است، و اگر روح انسان که گوهر مستقل و مجردی است به این نام نامیده شده، به خاطر آن است که از نظر تحرک و ایجاد حیات و ناپیدا بودن همچون باد و تنفس است.^۱

آقای صدرالدین شیرازی در کتاب معرفت نفس و حشر آورده است: نفس پس از تجرد کامل و نیل به درجه ی کمال عقلانی، با صورت علمیه کلیه ی اشیاء متحد می گردد بلکه عین جمیع اشیاء خواهد شد و همین نفس که نسبت به اموری در حال حاضر بالقوه بوده و به مرحله ی تجرد کامل عقلانی نرسیده، نسبت به آنچه که ادراک نموده و صورت علمیه ی آن ها در ذات آن حاصل گردیده متحد است.^۲

آقای امین زاده در کتاب انسان شناسی اینگونه بیان می کند: سیر علمی و ادراکی توسط اندیشه انجام می شود. اندیشه به منزله مرکبی است که نفس انسان بر آن نشسته و در وجود خود و در آفاق به گردش می پردازد تا به حق نایل شود. اندیشه در مثبت و منفی بودن، تابع کیفیت شناخت و صورت علمی در حاسته، ذهن و عقل است. صورت علمی، اگر انسانی و مثبت باشد، تفکر در آن و نتیجه آن مثبت خواهد بود؛ مانند: تفکر در آیات آفاقی که نتیجه اش آگاهی به علم و قدرت خداوند متعال است. و اگر صورت علمی منفی باشد، تفکر در آن و نتیجه آن منفی خواهد بود؛ مانند: صورت علمی یک گناه (قمار، دزدی، فحشا و...).^۳

آقای عباسی در کتاب لذت و شادکامی: درآمدی بر لذت از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت گرا نوشته است: حبّ بقا، این است که انسان می خواهد زنده بوده، حیات دائمی داشته باشد، ریشه اش، همان حبّ ذات است، همان حرکت ذاتی نفس که در یک مسیر ویژه، جلوه می کند.^۴

پژوهش حاضر در سه محور به بررسی ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات اشاره دارد:

۱. مفهوم شناسی

۲. انواع نفس

۳. ابعاد نفس از دیدگاه آیات و روایات

۱. مکارم شیرازی، پیام قرآن؛ روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن، ج ۱، ص ۱۴۳

۲. صدرالدین شیرازی، معرفت نفس و حشر، صص ۸۸-۹۰

۳. امین زاده، انسان شناسی، صص ۳۴-۳۵

۴. عباسی، لذت و شادکامی: درآمدی بر لذت از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت گرا، ص ۳۱

۱. مفهوم شناسی

۱-۱- نفس در لغت

از حیث لغوی به معنای ذات و حقیقت شیء و همچنین خارج شدن هوا؛ ذات او روح^۳ است. همچنین نفس به معنای روح آمده است. از معانی دیگر نفس، وسعت و گسترش است.^۴

نفس به معنای خون، قوه تمییز، غیب و امرکننده به چیزی و نهی کننده از چیزی آمده است.^۵

۱-۲- نفس در اصطلاح

خواجه نصیر در شرح اشارات نفس را اینگونه تعریف کرده است: نفس کمال اول جسم طبیعی است و آن جسم طبیعی آلت و وسیله صدور افعال او باشد و صاحب حیات بالقوه باشد. فخر رازی نیز در کتاب «النفس والروح» و نیز «المباحث المشرقیة» تعریفهایی برای نفس ذکر کرده است که بسیار شبیه به تعریف خواجه می باشد.

مرحوم نراقی در تعریف نفس فرموده: نفس جوهری ملکوتی است که برای کارهای خود بدن را به خدمت می گیرد و حقیقت و ذات انسان به اوست و بدن با همه اعضای خود وسیله ای برای اوست. بهرحال نفس همان چیزی است که از آن به «من» یا «جان» تعبیر می شود و تعریف و شناخت دقیق آن متعسر است.^۶

معنای اصطلاحی «نفس» چیزی غیر از جسم است. معنای اصلی نفس هر چیز، ذات آن چیز فرض شده است. نفس جوهری روحانی است که به ذات خود زنده است و چون قرین و همنشین جسمی از اجسام گشت، آن را مانند خود می نماید؛ مانند صورت آتش که جوهری سوزان است که اگر آن را در کنار جسمی از اجسام قرار دهی، آن جسم را هم مانند خود داغ می نماید. از سوی دیگر، نفس در واقع، نوری از انوار معنوی الهی است که مشرق و تابشگاه آن، خداوند و مغرب و فردوگاه آن، این کالبد تاریک است. نتیجه اینکه وجه اشتراک اغلب

۱. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۲۲: ذیل نفس

۲. طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۱۹۱

۳. ابن منظور، لسان العرب، ص ۲۳۳

۴. قرشی بنابی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۹۴

۵. ابن منظور، لسان العرب، ص ۲۳۴

۶. عابدی، فلسفه زیارت (ترجمه و شرح رساله زیاره القبور فخر رازی)، ص ۵۰

به فرزند، احساس خاص پدری، احساس همسر نسبت به همسر، احساسی که انسان نسبت به بیماران، ضعیفان و فقیران پیدا می کند.^۱

۴-۳-۴- احساسات و انفعالات

این دسته از تمایلات سطحی ترین آشکارترین و مرتبه از مراتب نفس را تشکیل می دهد که متأثر از سایر شوون و خواسته های نفس می باشد. احساسات و انفعالات شامل حالات ذیل می شود:

الف) حالت «حزن و اندوه»: این حالت انفعالی وقتی در سطح نفس پدید می آید که انسان چیزی را دوست دارد و برای رسیدن به آن تلاش می کند، اما به خواسته خود نمی رسد. حالت «شادی» حالتی است در مقابل حالت پیشین که هنگام رسیدن انسان به خواسته اش برای او ایجاد می شود.

ب) حالت «خوف» حالت انفعالی است که وقتی برای انسان ایجاد می شود که احساس کند خواسته هایش به خطر افتاده است و یا متوجه شود که احتمالاً باید از محبوب و مطلوب خود جدا شود و آنچه را که با رنج و تلاش به دست آورده است از دست بدهد. حالت «امنیت»: در مقابل حالت پیشین است؛ یعنی وقتی در انسان ایجاد می شود که خطری وی و خواسته هایش را تهدید نکند و یا عامل خطرناک و تهدید کننده ای را در پیش رو و مسیر زندگی خویش نیابد.

ج) حالت «امید» و دل گرمی به کار که وقتی در نفس انسان حاصل می شود که شخص، تلاش های خود را در رسیدن به هدف و مطلوب خویش مؤثر تشخیص دهد. حالت «یأس» و ناامیدی و دل سردی از کار، که حالتی است مقابل حالت پیشین و وقتی در نفس انسان ایجاد می شود که انسان تلاش های مذکور را بی ثمر و بی فایده تشخیص دهد. خدادوستی؛ نوع منحصر به فرد انگیزه های نفسراتر و برتر از همه دل بستگی ها، میل نهایی ویژه ای در ژرفای وجود انسان نسبت به خدا وجود دارد که متأسفانه برای بسیاری از روان شناسان ناشناخته مانده است. این میل، نه از گونه احساس و نه از گونه عواطف، بلکه از این هر دو نیز لطیف تر و پنهان تر است. و از آن جا که کمال نهایی انسان به آن وابسته است، شکوفا کردن آن نیز اختیاری و به دست خود انسان میسور است.^۲

۵-۳- تأثیر ایمان بر تمایلات

۱. همان

۲. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، مدیریت انگیزش، ص ۲۵۰

گفته شد که نفس انسان دارای سه سطح آگاهی، قدرت و محبت است و تمایلات گوناگون انسان از این سه ناشی می شود. گرایش ها و تمایلات انسان گرچه رشد فطری دارند، ولی شکل گرفتن و جهت یابی آنها، در گرو عامل دیگری است. این عامل یا «شناخت ایمانی» است و یا «اندیشه های مادی گرایانه و سودجویانه». «ایمان» شناخت و گرایش های ما را تحت تأثیر قرار می دهد و به آنها جهت خاص می بخشد. اگر انسان حب به بقا دارد، شناخت ایمانی در برابر دیدگان حیاتی جاودان و با سعادت ترسیم می کند که رسیدن به آن با رفتارهای ایمانی حاصل می شود. اگر در طریق ادراک حقیقت و معرفت حقیقت، نفس به این نتیجه رسید که حقیقت نفس چیزی جز حقیقت مادی بدن نیست، زندگی انسان در همین حیات دنیوی او خلاصه می شود و پس از مرگ انسان و متلاشی شدن جسم او، دیگر هیچ گونه زندگی و موجودیتی ندارد، مسلماً در این صورت، غریزه حب بقا، جلوه خاص و نمود متناسب با این معرفت دارد و اگر درباره انسان و جهان به شناختی عمیق تر رسید و تشخیص او به اینجا منتهی شد که این زندگی دنیوی در واقع، مرحله گذار است و نسبت به زندگی واقعی و آخرتی وی جنبه مقدماتی دارد، در این صورت، به این زندگی تعلق پیدا نمی کند، بلکه توجه او بیشتر جلب مراحل بالاتر می شود و به کارهایی که برای آخرت و آینده اش مفیدتر است، می پردازد.^۱

ایمان، تمایلات لذت جویانه و سعادت خواهانه انسان را نیز جهت خاص می بخشد. بینش خاصی که از طریق شناخت های ایمانی حاصل شده است، بر شیوه ارضای غرایز تأثیر می گذارد، تا آنجا که حتی خورد و خوراک خود را به خاطر تقرب الی الله و انجام عبادت خداوند انجام می دهد و گاه انسان برای رضای خداوند، از نیاز خود نیز چشم می پوشد و ایثار می نماید و دیگر نیازمندان را بر خود مقدم می دارد. جمال دوستی انسان را به زیبایی عرفانی و زیبا دیدن همه هستی می کشاند و عواطف انسان و انفعالات را نیز به سوی رضای الهی جهت می بخشد. در حقیقت، انسان مؤمن خشمگین نمی شود، مگر برای رضا خدا و نیز خشنود نمی شود مگر بر اساس خشنودی خداوند.^۲

۱. واحد تحقیقات موسسه فرهنگی هنری جام طهور، دائرة المعارف طهور: اصول عقاید، ص ۱۳۸۵۸

۲. محمدتقی مصباح، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۳۵۰-۴۲۰

نتیجه گیری

در قرآن کریم، واژه «نفس» و مشتقات آن با معانی مختلف با بسامد تکرار فراوان آمده است که در همه آنها به معنای ذات و حقیقت شیء است. نفس جوهری است که در ذات و حقیقت خویش متحرک بوده و از احساس تا مرتبه ی تعقل، تطوّر و گستردگی دارد و لذا می‌تواند با هر مرتبه ای از مراتب متحد گردد. نفس با حرکت ذاتی و جوهری خویش همواره به جانب کمال رهسپار است، خواه این کمال در جهت فضیلت باشد و خواه در جهت رذیلت و استکمال نفس. مَثَل نفس مثل زمینی است که آماده برای قبول علوم و ادراکاتی است که از آسمان عقل بر آن نازل می‌شود، چنانچه شرایط قبول را از دست ندهد روحانی می‌گردد، همچنان که نفس در مرتبه ی عقل هیولائی آماده ی قبول صور علمیه است و در روایات هم به آن اشاره شده است.

علمای اخلاق برای نفس (احساسات و غرائز و عواطف آدمی) سه مرحله قائلند که در قرآن مجید به آنها اشاره شده است: نفس اماره یا وسوسه کننده، نفس لوامه یا سرزنش کننده، و نفس مطمئنه.

ابعاد گوناگون نفس عبارتند از: علم و آگاهی، قدرت و توانایی، محبت، حب بقا، کمال جویی، لذت جویی، ... می‌باشد. نفس انسان دارای سه سطح آگاهی، قدرت و محبت است و تمایلات گوناگون انسان از این سه ناشی می‌شود. گرایش‌ها و تمایلات انسان گرچه رشد فطری دارند، ولی شکل گرفتن و جهت یابی آنها، در گرو عامل دیگری است. این عامل یا «شناخت ایمانی» است و یا «اندیشه های مادی گرایانه و سودجویانه». «ایمان» شناخت و گرایش‌های ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به آنها جهت خاص می‌بخشد. اگر انسان حب به بقا دارد، شناخت ایمانی در برابر دیدگان حیاتی جاودان و با سعادت ترسیم می‌کند که رسیدن به آن با رفتارهای ایمانی حاصل می‌شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن فارس، احمد بن فارس، **معجم مقاییس اللغة**، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، چاپ اول، ۱۴۰۴ق
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، لبنان-بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق
۳. امین زاده، محمدرضا، **انسان شناسی**، قم، موسسه در راه حق، ۱۳۷۸
۴. رضایی اصفهانی، محمدعلی، **مجموعه مقالات (قرآن و علوم انسانی)**، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه واله)، ۱۳۹۶
۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، **معرفت نفس و حشر**، مترجم: اصغر طاهرزاده، اصفهان، لب المیزان، ۱۳۹۳
۶. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، مترجم: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی؛ تهران، رجا، ۱۳۶۷
۷. عابدی، احمد، **فلسفه زیارت (ترجمه و شرح رساله زیاره القبور فخر رازی)**، قم، زائر، ۱۳۷۶
۸. عباسی، محمد مهدی، **لذت و شادکامی: در آمدی بر لذت از دیدگاه اسلام با رویکرد روانشناسی مثبت گرا**، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث، سازمان چاپ و نشر، ۱۳۹۱
۹. قرشی بنایی، علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱
۱۰. ماهنامه موعود، **ماهنامه موعود ۹۶**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، **میزان الحکمه**، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر، چاپ دوم، ۱۳۶۷
۱۲. مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، **دانستی های جوانان ۲**، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۸۸

۱۳. -----، **مدیریت انگیزش**، ص ۲۵۰، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱

۱۴. مصباح، محمدتقی، **اخلاق در قرآن**، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی قدس سره،
۱۳۹۱

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن؛ روش تازه ای در تفسیر موضوعی قرآن**، تهران، دارالکتب
الاسلامیه، ۱۳۷۷

۱۶. -----، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳

۱۷. واحد تحقیقات موسسه فرهنگی هنری جام طهور، **دائرة المعارف طهور: اصول عقاید**، اصفهان، مرکز
تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۵

۱۸. مهدی زاده، میرستار، **داستان های مبارزه با نفس**، قم، دفتر عقل، چاپ اول، ۱۳۸۸